



بررسی و مقایسه هوش هیجانی و خودتنظیمی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم انسانی و مهندسی

دکتر حسین کارشکی^۲

مرضیه بهرامی^۱

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بیان مسأله و هدف: با توجه به اینکه هوش و شخصیت هر فرد، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان و همچنین خط مشی چگونه ارتباط برقرار کردن با اطرافیان و نحوه معاشرت با آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و تاکنون زمینه‌های مختلفی از مداخله های هوش هیجانی بر سایر متغیرها در گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه هوش هیجانی و خودتنظیمی در دانشجویان ارشد دو گروه علوم انسانی و فنی- مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد به اجرا درآمد.

روش: پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای است. نمونه آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد (۵۰ نفر رشته مهندسی و ۵۰ نفر رشته علوم انسانی) می‌باشند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - چند مرحله‌ای انتخاب شده و پرسشنامه‌های هوش هیجانی بار- آن (۱۹۸۰) و پرسشنامه‌ی خودتنظیمی پنتریچ (۱۹۹۰) را تکمیل نمودند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که دو گروه در متغیر هوش هیجانی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند ($P < 0.01$)، به طوری که میانگین نمرات دانشجویان علوم انسانی از دانشجویان مهندسی بیشتر بود. اما از جهت میزان خودتنظیمی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد ($P > 0.05$).

نتیجه‌گیری: از آنجایی که هوش هیجانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش اجتماعی، نقش تعیین کننده‌ای در چگونگی برقراری ارتباط ما با دیگران و همچنین برداشت ما از رفتار آنان دارد، از یافته‌های فوق چنین نتیجه می‌گیریم که دانشجویان علوم انسانی با توجه به اینکه در حیطه کاریشان بیشتر با انسان سروکار دارند بنابراین، از هوش هیجانی بالاتری بهره‌مند هستند.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، خودتنظیمی

^۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی
^۲. عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



مقدمه

آن چیزی که در تعلیم و تربیت کشور ما حائز اهمیت است، توجه به بعد شناختی و هوش شناختی است در حالی که هوش شناختی تنها شاخص عمده برای پیش بینی موفقیت فرد نیست، چه بسا افرادی که با وجود هوش شناختی بالا با عدم موفقیت و سر درگمی روبرو هستند، در حالی که افراد کم هوشتری را می توان یافت که موفق ترند زیرا طبق نظر کهن^۱، هوش هیجانی ممکن است از هوش شناختی مهم تر باشد، زیرا، بسیاری از یادگیری‌ها نیازمند داشتن مهارت‌های اجتماعی و هیجانی می‌باشند و در ضمن افراد را برای روابط اجتماعی، تصمیم گیری و خلاقیت، یاری می‌رساند. هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چیان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می شود. ریشه‌های تاریخی این مفهوم را می‌توان در قرن ۱۹ جستجو کرد (صفوی؛ موسوی لطفی و لطفی، ۱۳۸۸: ۲۵۵). طبق نظر بارون^۲ (۱۹۹۷) هوش هیجانی مجموعه‌ای از ظرفیت‌های غیر شناختی، توانش‌ها و مهارت‌هایی است که بر توانایی‌های فرد برای موفقیت، کنار آمدن با مطالبات و فشارهایی محیطی تأثیر می‌گذارد. مایر و سالووی (۱۹۹۷) هوش هیجانی را نوعی هوش اجتماعی و مشتمل بر توانایی کنترل هیجان‌های خود و دیگران و تمایز بین آن‌ها و استفاده از اطلاعات برای راهبرد تفکر و عمل دانسته، تعریف علمی هوش هیجانی مایر و سالووی تأکید بر توانایی‌های ادراک و به کارگیری هیجان‌هاست. خودتنظیمی یک میانجی مهم در رابطه میان ویژگی‌های فردی و بافتی با پیشرفت تحصیلی در نظر گرفت (زیمرن و کیتسانتاس^۳، ۱۹۹۶). نظریه‌ی پنتتریچ و دیگروت^۴ (۱۹۹۰) از جمله نظریات مطرح در زمینه‌ی خودتنظیمی^۵ است که در آن به سه مؤلفه‌ی زیر اشاره شده است: الف. فراشناخت: شامل راهبردهای نظارت، هدایت، تغییر و اصلاح شناخت می‌باشد. ب. راهبردهای مدیریت: یعنی شیوه‌های کنترلی که فرد بر روی تلاش‌های خود اعمال می‌کند. مهارت‌های شناختی کلی: شامل مهارت‌های که فرد در هنگام یادگیری، یادآوری و فهم مطالب از آنها بهره می‌گیرد (کیاروچی؛ فورگاس و مایر، ۱۳۸۸: ۲۲۵-۲۲۶). یادگیری خودتنظیمی^۶، یک فعالیت خودآغازگری است که هدف گذاری و تنظیم تلاش‌های خود برای رسیدن به هدف، خود نظارتی (فراشناخت)، مدیریت زمان و تنظیم محیط اجتماعی و فیزیکی

۱-Kohen

۲- Hen

۳-Zimmerman- Kitsantas

۴ Pintrich, P.R., & De Groot

۵- Self-regulation

۶-self-regulation



است. یادگیرنده‌های خودتنظیم افرادی هستند که به گونه‌ای فراشناختی و با انگیزه و فعال در فرآیندهای یادگیری خود شرکت می‌کنند (کدیور، ۱۳۸۰: ۱۵۸). زیمرمن^۱ ۱۹۸۶، از مطالعه‌ی افراد خودتنظیم‌گر راهبردهای استخراج کرد که عبارتند از: خود سنجی، سازماندهی، انتقال اطلاعات، خردکردن اهداف، برنامه‌ریزی، جستجویی اطلاعات، ضبط و یادداشت کردن و نظارت بر خود، سازماندهی محیط، خودپیامدی، سلسله مراتبی کردن و به یاد سپردن، کمک گرفتن از همسالان و معلم. تا کنون در زمینه هوش هیجانی تحقیقاتی (ثمری و طهماسبی، ۱۳۸۵؛ آیستن و ساکلوفسکوگن^۲، ۲۰۰۵؛ خشوعی، ۱۳۸۰)، و در زمینه خود تنظیمی (گیج و برلاینر، ۱۳۷۴؛ کارشکی، ۱۳۸۷؛ پنتریچ و دیگروت، ۱۹۹۹) انجام گرفته شده، اما از آنجا که از جمله متغیرهایی که بر هوش هیجانی اثر دارد، سلامت روان، فشارروانی، مسئولیت پذیری، خوش بینی و حتی خود ابرازی می باشد، عواملی از قبیل؛ عملکردهای موفقیت آمیز، تجارب نیابتی، اقناع کلامی، شرایط تربیتی، محیط پیرامون و هوش های چندگانه بر خودتنظیمی اثر دارند (بندورا، ۱۹۸۰). در اینجا به، یکی از این عوامل که به نظر می رسد بیشترین تأثیر را بر خودتنظیمی دارد یعنی هوش هیجانی را مورد بررسی قرار می دهیم. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی در عین حال مقایسه دو گروه در زمینه هوش هیجانی و خودتنظیمی می باشد.

روش تحقیق

جامعه آماری دانشجویان کارشناسی ارشد دو رشته ی فنی مهندسی و علوم انسانی مشغول به تحصیل در سال ۹۰-۸۹ دانشگاه فردوسی مشهد بوده است و نمونه آماری یک صد نفر از دانشجویان هر دو رشته اعم از دختر و پسر بوده است و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ۵۰ نفر از رشته انسانی و ۵۰ نفر از مهندسی به صورت تصادفی انتخاب شدند، روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی بوده است.

۱- Matynz ponz

۲- Austain,E,saklofske



ابزار پژوهش: ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بود: الف) پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۸۰)، ب) پرسشنامه خودتنظیمی (MSLQ) پنتریچ و دیگر (۱۹۹۰).

• پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن شامل ۹۰ سوال می‌باشد. از آنجا که بر روی یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده اند نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) بعضی سوالات با محتوای منفی از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) انجام می‌شود. پایایی از طریق همسانی درونی بر مبنای میانگین ضرایب آلفای کرونباخ برای همه‌ی خرده مقیاس‌ها (۰/۷۶) بوده، پایایی از طریق بازآزمایی در نمونه‌ی آفریقایی در دوره یک ماهه برابر با ۰/۸۵ و دوره چهار ماهه ۰/۷۵ بود و در نمونه اسرائیلی نیز در یک دوره سه ماهه، میانگین ضریب پایایی برابر با ۰/۶۶ به دست آمد (بار-آن، ۱۹۹۷). مطالعه اعتبار صوری و محتوایی آزمون از طریق روش سیستماتیک اعتباریابی شد. در ایران نیز این پرسشنامه از نظر مسائل روان سنجی بررسی شده است. در این مطالعه، میزان پایایی آزمون را برابر ۰/۷۳۵ محاسبه، ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آزمون-باز آزمون به طور متوسط ۰/۷۴ گزارش شده است. میانگین ضرایب پایایی مؤلفه‌ها نیز بین ۰/۵۸ (ابراز وجود)، تا ۰/۹ (تحمل فشار روانی) به دست آمده است (دهشیری، ۱۳۸۲).

• پرسشنامه‌ی خودتنظیمی دارای ۲۲ سوال می‌باشد و سوالات در این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای (کاملاً درست، درست، تاحدی درست، متوسط، تاحدی نادرست، نادرست و کاملاً نادرست تنظیم شده است. پایایی خرده آزمون‌های پرسشنامه‌ی مزبور بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۳ گزارش شد. پایایی کلی پرسشنامه‌ی خودتنظیمی در اجرای نهایی ۰/۹۵ به دست آمده است. اعتبار دو خرده آزمون شناختی و فرا شناختی-مدیریت منابع در اجرایی نهایی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۹۰ بوده است (کارشکی، ۱۳۸۷). برای آزمون اعتبار پرسشنامه‌ی یادگیری خودتنظیمی، از تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شده بود، شاخص‌های برازندگی حاصل از اجرای تحلیل عاملی تأییدی، اعتبار مناسب این ابزار را نشان داد ($DF=115$, $X=366/83$, $GFI=0/94$, $RSMA = 0/05$). در مورد یادگیری خودتنظیمی نیز، شاخص‌های حاصل از اجرای تحلیل عاملی تأییدی، روایی ابزار را نشان می‌دهد ($DF=751$, $X=767/71$, $GFI=0/97$, $RSMA=0/055$) در مجموع شاخص‌های حاصل از اجرای آلفای کرونباخ و تحلیل تأییدی، پایایی و روایی ابزار را نشان می‌دهد (تجری، ۱۳۸۹).



تحلیل یافته‌ها و نتایج

جدول ۱ شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) را برحسب میانگین نمره‌های هوش هیجانی و خودتنظیمی به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود دختران نسبت به پسران در هوش هیجانی میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند، اما برعکس پسران در خودتنظیمی نسبت به دختران میانگین نمرات بالاتری را کسب نموده‌اند، با توجه به میانگین کل هوش هیجانی و خودتنظیمی، کلیه دانشجویان در هوش هیجانی به تفکیک جنسیت در سطح نسبتاً مطلوبتری می‌باشند.

جدول ۱: آمار توصیفی هوش هیجانی و خودتنظیمی به تفکیک جنسیت

کل		پسر		دختر		متغیر
N=۱۰۰		n=۳۷		n=۶۳		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۳/۳	۳۷/۱	۳/۳	۳۶/۱۱	۳/۲	۳۷/۸۱	هوش هیجانی
۱/۰۱	۱۷/۱۴	۰/۹۷	۱۷/۲۷	۱/۰۴	۱۶/۶۴	خودتنظیمی

جدول شماره ۲ شاخص آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) را برحسب میانگین نمره‌های هوش هیجانی و خودتنظیمی به تفکیک نوع رشته نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان مهندسی در هوش هیجانی و خودتنظیمی میانگین بالاتری را کسب کرده‌اند. با توجه به میانگین کل کلیه دانشجویان در هوش هیجانی به تفکیک نوع رشته در سطح نسبتاً مطلوبتری می‌باشند.



جدول ۲ آمار توصیفی هوش هیجانی و خود تنظیمی به تفکیک نوع رشته

کل		مهندسی		علوم انسانی		
N=۱۰۰		n=۵۰		n=۵۰		
متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	۳۷/۱	۳/۴	۳۳/۳	۳/۲	۳۸/۳۷	
خود تنظیمی	۱۷/۱۴	۱/۰۱	۱۴/۷۳	۱/۰۲	۱۹/۳۸	

یافته‌های استنباطی:

در جدول شماره ۴ از تحلیل واریانس یک راهه، به مقایسه متغیر هوش هیجانی به تفکیک رشته و جنسیت گزارش گردیده است، براساس نتایج مندرج در این جدول، بین هوش هیجانی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود ندارد، به این معنا که هر دو جنسیت از نظر میزان تفکر انتقادی در یک سطح قرار دارند ($f= ۰/۰۵, p>۰/۰۵$). بین هوش هیجانی دو گروه به تفکیک رشته تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که دانشجویان رشته علوم انسانی از هوش هیجانی بیشتر برخوردار بودند، ($p < ۰/۰۱$)، ($f=۷/۹۷$).



جدول شماره ۴: مقایسه متغیر هوش هیجانی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه

هوش هیجانی	DF	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	P
جنسیت	۱	۶۱/۱۰۹	۶۸/۱۰۹	۰/۰۵	۰/۸
رشته	۱	۱۰۴۰۴/۳۷۵	۱۰۴۰۴۰/۳۷۵	۷/۹۷	۰/۰۰۶
جنسیت - رشته	۱	۱۳۹۹/۳۹۶	۱۳۹۹/۳۹۶	۱/۰۷	۰/۳
کل	۹۹	۱۳۶۸۷۸/۷۶۰			

در جدول شماره ۵ نیز از طریق تحلیل واریانس یک راهه، به مقایسه متغیر خودتنظیمی به تفکیک نوع رشته و جنسیت گزارش گردیده است، براساس نتایج مندرج در این جدول، بین خودتنظیمی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که هر دو جنسیت از نظر خودتنظیمی در یک سطح قرار ندارند ($f=۳/۲۲$ ، $p < ۰/۰۱$)، بین خودتنظیمی دو گروه به تفکیک رشته تفاوت معناداری وجود ندارد، به این معنا که دانشجویان علوم انسانی و مهندسی در زمینه خودتنظیمی در یک سطح قرار دارند، ($f=۰$ ، $p > ۰/۰۵$).

خود تنظیمی	DF	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	P
جنسیت	۱	۹۳۱/۱۵۵	۹۳۱/۱۵۵	۳/۲۲	۰/۰۷
رشته	۱	۰/۰۸۴	۰/۰۸۴	۰	۰/۹
جنسیت - رشته	۱	۱۵۱/۶۹۶	۱۵۱/۶۹۶	۰/۵	۰/۴
کل		۲۹۱۰۳/۷۶۰			



بحث و نتیجه‌گیری

موضوع اصلی تحقیق حاضر سنجش هوش هیجانی و خودتنظیمی در دو رشته (علوم انسانی و مهندسی) بوده است. با توجه به خواستگاه نظری، دو پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن و خودتنظیمی پنتریچ برای پژوهش در نظر گرفته شد. گلاور^۱ (۱۳۷۷) به ضرورت دانش در شکل‌گیری شناخت پرداخته است و او معتقد است که دانش در مرکز شناخت است، دانش ادراکات فرد را به وجود می‌آورد، موجب تمرکز توجه می‌شود و مایه‌ی حافظه است (گلاور و همکاران، ۱۳۷۷). غنایی، فراهانی، عبدالمهی و شکری (۱۳۸۳) در تحقیقی در رابطه با اثر خستگی شناختی و هوش هیجانی بر حل مسائل شناختی به این نتیجه رسیدند که برای مطالعه عملکرد افراد در موقعیت حل مسأله، تمرکز بر نقش متغیرهای هوش هیجانی و خستگی شناختی به عنوان یکی از مؤلفه‌های خودتنظیمی ضروری به نظر می‌رسد. یار احمدی (۱۳۸۸) در رابطه با هوش هیجانی و مدیریت رفتار به نتایج معناداری که ارتباط بین این دو امر را نشان می‌دهد رسید. در بخش استنباطی به این نتیجه رسیدیم که خودتنظیمی با توجه به به عامل جنسیت در افراد به صورت یکسان وجود ندارد و هر دو جنس در خودتنظیمی تفاوت معناداری با هم دارند و این یافته‌ها نتایج تحقیقاتی از جمله؛ زیرمن (۱۹۹۰) در پژوهشی که در این زمینه انجام داده مشاهده کرده است که دخترها به طور معنی‌داری نسبت به پسرها بیشتر به یادداشت کردن، نظارت بر خود و سازمان دادن محیط توجه دارند، و نتیجه مطالعه پاچارس و همکاران (۲۰۰۱) حاکی از آن است که دختران در انجام فعالیت‌های مربوط به تکالیف درسی مانند به یادآوردن، یادداشت کردن و سازمان دادن محیط بر پسران برتری دارند. عباباف (۱۳۸۷)، نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان دختر از راهبردهای شناختی مرور ذهنی و بسط دهی مخصوص تکالیف ساده و پیچیده، و همچنین از راهبردهای فراشناختی دانش و کنترل خود، دانش و کنترل فرآیند نظم دهی از دانش‌آموزان پسر بیشتر استفاده می‌کنند. به طور عمده، دختران نسبت به پسران بیشتر از فرآیندهای خودتنظیمی استفاده می‌کنند. دختران تمایل بیشتری به ابراز عقاید کارآمدی سطح بالا در حوزه‌های خواندن و نوشتن دارند، اما پسرها تمایل به ابراز خودکارآمدی در ریاضیات، علوم، ورزش و کامپیوتر دارند (دوکورد^۲ و سلیگمن^۳، ۲۰۰۶) همخوان است. در این راستای هوش هیجانی، کریک (۲۰۰۲) برتری دختران در عوامل روابط بین فردی و سازش نسبت به پسران را یافته است. کریکورین (۲۰۰۲)، نیز در تحقیق خود تأثیر جنس در هوش هیجانی دست یافته است. بار-آن و پارکر (۲۰۰۰)، زنها را در روابط بین فردی هم‌دلی و

^۱ - Glavr

^۲ . Duckworth

^۳ . Seligman



مسئولیت‌پذیری اجتماعی قویتر از مردان یافتند ولی در این تحقیق با توجه به بخش استنباطی تفاوتی در دو جنس در این زمینه دیده نشد، حال از آنجا که در هوش‌های هشتگانه گاردنر، بین دانش‌آموخته‌های علوم انسانی و ریاضیات تفاوت وجود دارد، دانشجویان رشته‌ی فنی و مهندسی دارای هوش فضایی- دیداری، و همچنین هوش ریاضی- منطقی هستند، بنا بر هوش فضایی- دیداری، توانایی درک پدیده‌های بصری را دارند، یعنی گرایش دارند با تصاویر فکر کنند و برای به دست آوردن اطلاعات، نیاز دارند یک تصویر ذهنی واضح ایجاد کنند، در مقابل دانشجویان رشته‌ی علوم انسانی دارای هوش کلامی - زبانی هستند، یعنی توانایی استفاده از کلمات و زبان را دارند، مهارت‌های شنیداری تکامل یافته‌ای دارند و معمولاً سخنوران برجسته‌ای هستند. و برخلاف دانشجویان مهندسی به جای تصاویر با کلمات فکر می‌کنند. در بخش استنباطی، در رابطه با مقایسه هوش هیجانی و خود تنظیمی در دو رشته که به گونه‌ای هدف اصلی پژوهش بوده، تفاوت معناداری بین دانشجویان دو رشته در متغیر هوش هیجانی وجود دارد، و دانشجویان رشته علوم انسانی از هوش هیجانی بالاتری نسبت به دانشجویان مهندسی برخوردار هستند، ولی در زمینه خود تنظیمی تفاوتی مشاهده نشد.

محدودیت‌ها

تعدد سؤال‌های پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن و طولانی بودن آن‌ها، مشکلات عدیده‌ای از قبیل عدم مشارکت برخی دانشجویان در پاسخ دادن به سؤال‌ها و یا عدم پاسخ دهی به برخی از سؤالات، در نتیجه برای اینکه تعبیر و تفسیر نتایج به نحو احسن صورت بگیرد و ار برداشت‌های شخصی متأثر نشود بر حسب ضرورت، برخی از پرسشنامه‌ها دو باره توزیع شد، در ضمن نتایج این پژوهش به دلیل اینکه جامعه آماری پژوهش تنها مربوط به یک دانشگاه بود و اگر انجام آن در دیگر دانشگاه‌ها امکانپذیر بود، تعمیم‌پذیری نتایج آن می‌توانست با احتمال بیشتری صورت پذیرد.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود، طرح حاضر در قالب مطالعه‌ای تجربی اجرا گردد، که در آن انواع مؤلفه‌های هوش هیجانی ایجاد و تأثیرات آن بر خود تنظیمی بررسی شود یا بر عکس مؤلفه‌های خودتنظیمی ایجاد و تأثیرات آن بر هوش هیجانی مورد بررسی قرار گیرند، و در



صورت امکان در دانشگاه‌های مختلف مقایسه‌ها صورت بگیرد در بین رشته علوم انسانی و مهندسی تا تعمیم پذیری نتایج افزایش پیدا کند.

منابع:

اسناوندی، فهیمه (۱۳۸۸). خودآگاهی و خود مدیریتی (تفاوت هوش شناختی با هوش هیجانی). روزنامه رسالت، شماره ۶۶۹۱، ص ۶.

تجری، اعظم (۱۳۸۹). بررسی رابطه راهبردهای خود تنظیمی و اهداف پیشرفت در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی و آزاد

ثمری، علی اکبری و همکاران. (۱۳۸۵). بررسی منابع حمایتی و شیوه‌های مقابله با استرس‌زا در دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی. سال هشتم، ۱۲۶.

جوکار، بهرام (۱۳۸۴). بررسی رابطه هدف‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره بیست و دوم، شماره چهارم.

حسن زاده، رمضان (۱۳۸۸). هوش هیجانی: مدیریت احساس، عاطفه و قلب. تهران: نشر روان

خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱). اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

دهشیری، محمد (۱۳۸۲). هنجارگزینی مقیاس هوش هیجانی بار-آن در دانشجویان دانشگاه. پایان‌نامه ارشد.

صفوی، محبوبه؛ موسوی لطفی، سیده مریم؛ لطفی، رضا (۱۳۸۸). بررسی همبستگی بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی و اجتماعی در دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶. پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، سال چهارم، شماره ۵، ۲۵۵-۲۶۱.



غنایی، زیبا؛ فراهانی، محمد تقی؛ عبدالهی، محمد حسین؛ شکری، امید (۱۳۸۳). اثر خستگی شناختی و هوش هیجانی بر حل مسایل شناختی. تازه های علوم شناختی، شماره ۶، ۶۳-۴۷.

کارشکی، حسین (۱۳۸۷). نقش اهداف پیشرفت در مؤلفه های خودتنظیمی. تازه های علوم شناختی، شماره ۳.

کدیور، پروین (۱۳۸۰). "بررسی سهم باورهای خودکارآمدی، خودگردانی، هوش، پیشرفت درسی دانش آموزان به منظور ارائه ی الگویی برای یادگیری بهینه". تهران: پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.

کیاروچی، ژوزف؛ مایر، جان دی (۱۳۸۸). کاربرد هوش هیجانی. ترجمه ی ایرج پاد. تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

گلاور، ان؛ راتینگ، برونینگ؛ راجرز (۱۳۷۷). روانشناسی شناختی برای معلمان. ترجمه خرازی، علی نقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

گیج، نیت ل؛ وبرلاینر، دیوید سی (۱۳۷۴). روانشناسی تربیتی. ترجمه خوی نژاد و همکاران. مشهد: مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی.

یار احمدی، مهدی (۱۳۸۸). هوش هیجانی و مدیریت رفتار. سایت جامع مدیریت مدیر یار.

Austain, E, saklofske, D.H, & Egan, v (۲۰۰۵). Personality, well-Being and health correlates of trait emotional intelligence .personality and individual Differences, pp ۳۵,۵۴۷,۵۵۸

Bar.on, R (۱۹۹۷). emotional quotient inventory. Toronto: Multi-Health system Ine. (p:۳).

Bar.on, R. parker. J.(۲۰۰۰). Handbook of emotional intelligence. Jossey.Boss.



Bandura, A(۱۹۹۱). self-regulation of motivation through anticipatory and self-reactive mechanisms, In R. Dienstbier (Ed), perspectives on motivation: Nebraska symposium on motivation (p۲۸). lincoln, NT University of Nebraska press.

Crick, A. T.(۲۰۰۲). Emotional intelligence, social competence, and success in high school student.

Kirkorion, M. (۲۰۰۲). Emotional intelligence in relation to attachment type. Dissertation Abstracts International. ۶۲(۱۱-B). ۵۳۸۰.

Mayer, J. D., Salovey(۱۹۹۷). What is emotional intelligence? In P. salovey & D. sluyter (Ends), Emotional intelligence: Educational implications (pp.۳-۳۴), New York: Basic Books.

Pintrich,P.R, & De Groot,E (۱۹۹۰).Motivational and self-regulated learning Components of classroom academic Performance .**Journal of educational Psychology**.p۱۳.

Pintrich, p.R. (۱۹۸۶). Motivation and learning strategies Interactions with Achievement. Developmental Review,p۱۸۵.

Zimmerman,B.J (۱۹۸۶). "Development of a structural Interview for assessing student use of a social cognitive perspective ."Educational psycholog Review ,p۱۵۸.